

از «کمیته هماهنگی برای ایجاد شکل کارگری» دفاع کنیم!

بهرام رحمانی

تشکل حق مسلم کارگران است. هیچ حزب و سازمان و دولتی حق ندارد مانع تشکل‌یابی کارگران شود و یا نوعی از تشکل دلخواه خود را به کارگران تحمیل کند. کارگران بنا به شرایط و توازن قوای طبقاتی تشکل‌های مختلف خود نظیر سندیکا، کمیته اعتصاب، کمیته کارخانه، شورا و غیره را به وجود می‌آورند و برای اعلام موجودیت آن نیز از هیچ جریان و دولتی اجازه نمی‌گیرند. اکنون جامعه کارگری ما، شرایط حساسی را از سر می‌گذارند. فقر و فلاکت و گرانی و تورم طبقه کارگر و خانواده‌هایشان را به مرز انفجار رسانده است. در چنین موقعیتی هر کارگری از خود این سؤال را می‌کند که اگر ما تشکل‌های قوی مستقل خود را داشتیم به راحتی می‌توانستیم در مقابل سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه‌ایستادگی کنیم و مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را نیز به آن‌ها تحمیل نماییم؟! همین نیاز روزمره به تشکیلات سبب شده است که یکی از مشغله‌های مهم و عمده کارگران ایران، برپایی تشکل‌های مستقل‌شان باشد. طبیعی است که هر انسان آزاده و جریان کمونیست، به این تلاش کارگران برای برپایی تشکل‌های مورد علاقه‌شان ارج می‌نهد و از آن حمایت و پشتیبانی به عمل می‌آورد.

اکنون جنبش کارگری ایران در درون خود در رابطه با تشکل‌یابی، با دو حرکت متفاوت روبه‌رو است. یکی برای برپایی تشکل‌های مستقل کارگری به وزارت کار و امور اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی برای گرفتن مجوز مراجعه می‌کند، در حالی که دومی تشکیل تشکل‌های مستقل کارگری را امر خود کارگران می‌داند و نیازی به چنین مجوزی نمی‌بیند.

۱ - چندی پیش با امضای «کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری در ایران»، در بیانیه‌ای خطاب به وزارت کار و امور اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی و سازمان‌های کارگری در جهان و سازمان بین‌المللی کار منتشر کرده‌اند که آن را حدود چهار هزار کارگر امضاء نموده‌اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «... لذا ما امضاء کنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری هستیم. در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکل‌یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست‌های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار از سازمان‌های کارگری نیز در سراسر جهان می‌خواهیم تا از خواست برحق کارگران ایران حمایت نمایند...»

در چنین شرایطی، جای بسیار خوشحالی است که با وجود سانسور و اختناق کارگران با اعتراض به شرایط موجود، خواهان حق تشکل خود هستند. اما آنچه که مورد نقد است نه امضاء گذاشتن کارگران زیر این بیانیه، بلکه انتقاد به سیاست ناظر بر این حرکت است که به جای اتکا به نیروی کارگران برای برپایی تشکل‌هایشان به وزارت کار رژیم ضدکارگر جمهوری اسلامی متوسل می‌شود. آیا هنوز ماهیت ضدانسانی جمهوری اسلامی برای این دوستان روشن نشده است؟ آیا مراجعه به وزارت کار جمهوری اسلامی، طبقه کارگر را تکه‌تکه نمی‌کند؟ آیا چشم دوختن به وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی، عامل توهم نسبت به این رژیم سرکوبگر و ضدکارگر در جامعه نمی‌شود؟ فرض کنیم اگر هم این ارگان رژیم اجازه داد تشکل کارگری به وجود آید، آیا چنین تشکلی چیزی فراتر از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار خواهد بود؟ این دوستان سندیکالیست بعنوان گرایش غالب در «کمیته پیگیری» سخت در اشتباهند، زیرا اولاً، این رژیم وحشی با زبان خوش جواب کسی را نمی‌دهد؛ ثانیاً، مراجعه به وزارت کار و امور اجتماعی رژیم، سبب تفرقه و انزوای بیش‌تر طبقه کارگر می‌شود. ثالثاً، با توهم‌پراکنی آگاهانه و یا ناآگاهانه به بقای رژیم یاری می‌رساند. بنابراین بی‌جهت نیست که این حرکت دوستان، در میان راه دچار انشقاق و کندی شد.

البته این دوستان قبلاً به نوشتن نامه‌هایی به وزارت کار و امور اجتماعی رژیم بسنده می‌کردند، اکنون روی به توده کارگران آورده‌اند در واقع رادیکالیسم درون جنبش کارگری آن‌ها را گام به گام وادار به عقب‌نشینی می‌سازد. باید در همین رابطه خاطر نشان کرد که «کمیته هماهنگی» از طرفی تحت تاثیر گرایش‌های درون خود و از طرف دیگر تحت تاثیر اقدام رادیکال «کمیته هماهنگی» در قطعنامه اول ماه خود، تشکل مستقل از ارگان‌های دولت را نیز قید کرده است.

مسلم است که اگر نقد سیاست‌های رفرمیستی درون جنبش کارگری، در فضایی سالم و دوستانه صورت گیرد، به شفاف‌تر شدن افق و چشم‌اندازهای جنبش کارگری یاری خواهد کرد. در چنین روندی باید از یک سو طوری حرکت کرد که لطمه‌ای به اتحاد و همبستگی طبقه کارگر نرسد و از سوی دیگر تشکل‌های کارگری مستقل از دولت و همه نهادهای سرمایه‌داری با اراده مستقیم کارگران به وجود آید.

۲ - یکی دو روز به اول ماه مه روز جهانی کارگر مانده بود که بیانیه دیگری تحت عنوان «تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم!» از طرف «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» در ایران صادر شد که تا کنون بیش از سه هزار کارگر آن را امضاء کرده‌اند.

در پاراگراف اول این بیانیه به طور صریح چنین آمده است: «کارگران! امروز یکی از بدیهی‌ترین حقوق مسلم و شناخته شده کارگران جهان حق ایجاد هر نوع تشکل کارگری است. در دنیای امروز کارگران تشکل خود را بدون اجازه دولت‌ها ایجاد می‌کنند و دولت‌ها، طبق استانداردهای جهانی فقط وظیفه ثبت این تشکل‌ها را برعهده دارند و در صورت ثبت نکردن آن‌ها هم، این تشکل‌های کارگری می‌توانند تشکیل شوند و فعالیت کنند.»

این بیانیه خواهان اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران بر علیه سیستم سرمایه‌داری است تا با نیروی مستقیم خود، تشکل‌هایشان را به وجود آورند و حتی اگر دولت ثبت هم نکند باز هم به فعالیت خود ادامه دهند. این بیانیه برای برپایی تشکل‌های کارگری هیچ نیازی به مجوز دولت نمی‌بیند.

در بخش دیگر این بیانیه تأکید شده است: «برای رهایی از این همه سیه‌روزی و فقر و فلاکت و بی‌حقوقی پیش از هر چیز باید متشکل شویم. اما ما تشکل را از هیچ دولت، سازمان و نهادی درخواست نمی‌کنیم. تشکل حق ماست. آن را به نیروی خود ایجاد کنیم و سپس از دولت بخواهیم آن را به رسمیت بشناسد...» این‌جا ما با یک موضع طبقاتی علیه سرمایه‌داری و دولت حامی سرمایه‌رو به رو هستیم، در حالی که در بیانیه اول چنین موضع‌گیری شفاف وجود ندارد. به ویژه در پایان این بیانیه تأکید می‌شود: «و اکنون ای هم‌طبقه‌ای‌های شریف! بر پایه منافع مشترک و طبقاتی، وظیفه حمایت از کارگران بر دوش تمامی انسان‌های شریف در سراسر جهان سنگینی می‌کند. هست و نیست کارگران ایران بر اثر تهاجم بی‌امان نظام سرمایه‌داری بر باد رفته است. ما از شما پیشروان و فعالان کارگری، اتحادیه‌ها و سندیکاها، انجمن‌ها و طرف‌داران طبقه کارگر می‌خواهیم ما را یاری و حمایت کنید.»

بدین ترتیب، با وجود این که هر دوی این بیانیه در ایران منتشر شده است اما به لحاظ طبقاتی و سیاسی و اجتماعی افق و چشم‌انداز متفاوتی را دنبال می‌کنند. ظرافت مسئله در این است که باید ببینیم کدام افق ما کارگران را در برابر این همه وحشی‌گری و ظلم و ستم و استثمار سرمایه‌داری و رژیم حامی سرمایه‌متحد و متشکل می‌کند تا با اتکا به نیروی خودمان گام به گام مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود را به کارفرمایان و رژیم تحمیل کنیم و راه را برای تغییر جهان بی‌رحم موجود و برپایی جهانی دیگر هموار سازیم.

مسلم است که ما جریان‌ات و افرادی که در خارج از کشور هستیم و به عنوان بخشی از جنبش کارگری کمونیستی ایران و جهان کار و کوشش و مبارزه می‌کنیم، ضروری است که از هر امکانی

که در اختیار داریم به حمایت و پشتیبانی از مبارزات و مطالبات طبقه کارگر ایران و به ویژه به حمایت از «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» برخیزیم. در نخستین گام ضروری است که کمیته‌ها و کانون‌های همبستگی با «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» در شهرها و کشورهای مختلف غرب به وجود آوریم و حمایت و پشتیبانی طبقه کارگر و سازمان‌های چپ و کمونیست کشورهایی که مقیم آن‌جا هستیم نسبت به حق و حقوق و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر ایران، جلب نماییم. تنها از این طریق است که گرایش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر تقویت می‌شود و به اتحاد و همبستگی کل طبقه کارگر منجر می‌گردد.

با امید این که در ماه‌های آتی جامعه ما، شاهد اعلام موجودیت تشکل‌های مستقل کارگری در کارخانه‌ها و کارگاه‌های سراسر ایران، به ویژه در صنایع بزرگ مانند صنایع نفت و ماشین‌سازی و غیره باشد.

پنجم مه ۲۰۰۵

برترفته از جهان امروز شماره ۱۴۹